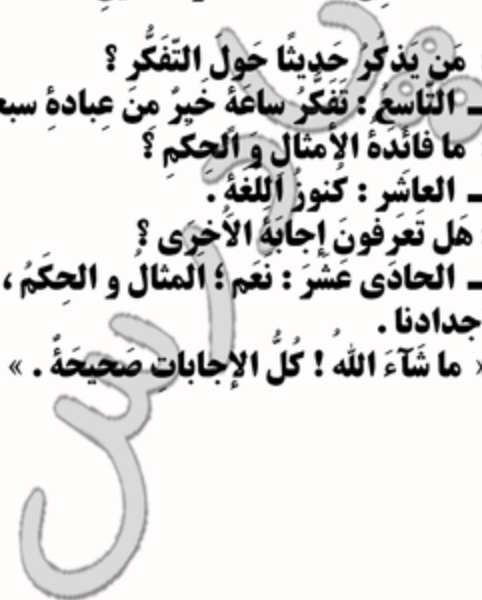


- هل تعرفون حكماً؟
 — الأول: نعم؛ نعرف كثيراً.
 — الثاني: العلم كنز.
 — الثالث: يد الله مع الجماعة.
 — الرابع: إضاعة الفرصة، غصه.
- آیا حکمتی می شناسید؟
 — اولی: بله؛ خیلی می شناسیم.
 — دومی: «علم گنجی است».
 — سومی: «دست خدا همراه جماعت است».
 — چهارمی: «از دست دادن فرصت غصه و اندوه است».
- چه کسی سخنی دربارہ ی اتحاد نام می برد؟
 چه کسی سخنی درباره ی اتحاد نام می برد؟
 چه کسی از شما حکمتی پیرامون فرصت می داند؟
 چه کسی از شما حکمتی پیرامون فرصت غصه و اندوه است؟

- من يقول حديثاً حول الأخلاق الحسنه؟
 — الخامس: حسن الخلق نصف الدين.
 — السادس: سلامة العيش في المداراة.
 — السابع: المؤمن قليل الكلام كثير العمل.
 — الثامن: الصلاة عمود الدين.
- چه کسی سخنی پیرامون اخلاق نیکو می گوید؟
 — پنجمی: «خوش اخلاقی نیمی از دین است».
 — ششمی: «سلامت زندگی در مدارا کردن است».
 — هفتمی: «مؤمن کم سخن پرکار است».
 — هشتمی: «نماز ستون دین است».
- چه کسی سخنی پیرامون مدارا کردن با مردم می داند؟
 چه کسی سخنی پیرامون ویژگی مؤمن می داند؟
 چه کسی سخنی پیرامون اهمیت نماز می شناسد؟
 چه کسی سخنی پیرامون ستون دین است؟

- من يذكر حديثاً حول التفكير؟
 — التاسع: تفكر ساعة خير من عبادة سبعين سنة.
 — العاشر: كنوز اللغة.
 — الحادي عشر: نعم؛ المثال والحكم، ميراث أجدادنا.
- چه کسی سخنی پیرامون فکر کردن نام می برد؟
 — نهمی: «یک ساعت فکر کردن بهتر از هفتاد سال عبادت است».
 — دهمی: «گنج های زبان است».
 — یازدهمی: «بله؛ امثال و حکم، یادگار و میراث پدران ما».
- چه کسی سخنی پیرامون فکر کردن نام می برد؟
 چه کسی سخنی پیرامون حکمت ها چیست؟
 آیا پاسخ دیگری می دانید؟
 (ما شاء الله! همه ی پاسخ ها درست است.)



كان إديسون في السابعة من عمره، عندما عجزت أساتذته عن دَفْعِ ذَهَابَاتِ دَاسَتِهِ،
 اديسون هفت ساله بود، هنگامی که خانواده اش از پرداخت هزینه تحصیلش ناتوان شد، در
 فطرده مدير مدرسته من المدرسه و قال عنه:
 نتیجه مدیر مدرسه، او را به تندی از مدرسه بیرون کرد و درباره او گفت:
 «إنه تلميذ أحمق.» فصار بائع الفواكه؛ ولكنه
 واقعا او دانش آموز کودن و بیخردی است.
 ما ترك الدراسة؛ بل درس بمساعدة أمه؛ هي
 پس (او) میوه فروشی شد؛ اما مدرسه را رها نکرد؛ بلکه با کمک مادرش درس خواند؛
 ساعدته كثيرا. كان إديسون ثقیل السمع
 (مادر) او خیلی کمک (ش) کرد. اديسون به خاطر یک رویداد یا بیماری که در دوران
 بسبب حادثه او مرض أصابه أيام الطفولة.
 بچگی به او رسید، کم شنوا بود.

إديسون أحب الكيمياء. فصنع مختبراً صغيراً
 اديسون، شیمی را دوست داشت. پس در خانه اش آزمایشگاه کوچکی ساخت.
 في منزله و بعد مدة قدر على شراء بعض المواد
 و پس از مدتی توانست برخی از مواد شیمیایی
 الكيمياویة و الأدوات العلمیة و بعد محاولات
 و ابزارهای علمی را خریداری کند. و پس از تلاش های چشمگیر
 كثيرة صار مسؤولاً في أحد القطارات و قدر على
 مسئول یکی از قطارها شد. و توانست دستگاه چاپ را خریداری کند
 شراء آلة طباعة و وضعها في عربة البضائع و في السنة الخامسة عشرة من عمره
 و آن را در واگن کالاها گذاشت. و در پانزده سالگی اش یک روزنامه هفتگی نوشت و آن را
 كتب صحيفة أسبوعية و طبعتها في القطار. في أحد الأيام انكسرت إحدى زجاجات
 در قطار چاپ کرد. در یکی از روزها، یکی از شیشه های مواد شیمیایی در آزمایشگاه
 المواد الكيمياویة في المطبعة؛ فحدث حريق فطرده رئيس القطار و عندما أنقذ
 شکست. پس یک آتش سوزی رخ داد در نتیجه رئیس قطار او را راند و هنگامی که کودکی
 طفلاً من تحت القطار، جعله والد الطفل رئيساً في
 را از زیر قطار نجات داد، پدر (آن) بچه او را رئیس شرکتش قرار داد.
 شركته.

كان إديسون مشغولاً في مختبره ليلاً و نهاراً.
 اديسون در آزمایشگاهش شبانه روز سرگرم (آزمایش) بود.
 هو أول من صنع مختبراً للابحاث الصناعیة.
 او نخستین کسی است که آزمایشگاهی برای پژوهش های صنعتی ساخت.
 اخترع إديسون أكثر من ألف اختراع مهم؛
 اديسون بیش از هزار اختراع مهم (در کارنامه اش) دارد.
 منها الطاقة الكهربائیه و المصباح الكهربائي
 از آن جمله (می توان) : « نیروی برق، لامپ برق و دستگاه ضبط موسیقی و عکس های
 و مسجل الموسيقى و الصور المتحركة و آله

السینما و نظائره السياره
 متحرك و دستگاه سینما و باتری ماشین » (را نام برد .)

و الطاقة الكهربائیه في هذا العصر سبب رئيسی

للقدم الصناعات الحدیة
 و باتری، در این دوره و علت اصلی، بیش فت صنایع جدید شده است.

● درستی یا نادرستی هر جمله را بر اساس حقیقت بنویسید.

۱. الشَّرِكَةُ مَوْسَسَةٌ تِجَارِيَّةٌ أَوْ اِقْتِصَادِيَّةٌ يَعْمَلُ فِيهَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ.

و باتری برقی در این دوره علت اصلی پیشرفت صنایع جدید شده است .

۲. الْقِطَارُ مَكَانٌ بَيْعُ الْبَضَائِعِ مِثْلُ الْمَلَابِسِ وَ الْفَوَاكِهِ.

قطار ، مکان فروش کالاهاست از قبیل پوشاک ها و میوه ها .

۳. الْمَطْطَعَةُ مَخْرَزٌ لِحِفْظِ الْمَوَادِّ الْغِذَائِيَّةِ كَالْخُبْزِ.

چاپ خانه ، انباری است برای نگهداری مواد غذایی مانند نان .

۴. الطُّفُولَةُ هِيَ السَّنَوَاتُ الْأُولَى مِنْ حَيَاةِ الْإِنْسَانِ.

کودکی ، همان سال های نخستین از زندگی انسان است .

۵. الصَّاعِقَةُ كَهْرَبَاءٌ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَعَ الرَّعْدِ.

صاعقه ، برقی است که همراه رعد از آسمان پایین می آید .

التَّمْرِينُ الثَّانِي

● جمله های زیر را ترجمه کنید.



الْجِسْرُ الْأَبْيَضُ، عَلَى نَهْرِ كَارُونِ.
پل سفیدروی رودخانه کارون

مَرَقْدُ الْعَالِمِ الْإِيرَانِيِّ ابْنِ سِينَا فِي مَدِينَةِ هَمْدَانَ.
مرقد دانشمند ایرانی ، ابن سینا در شهر همدان .



جُنُودُنَا الْأَقْوَبَاءُ، جُنُودٌ مُؤْمِنُونَ.

مَسْجِدُ الْإِمَامِ، أَثَرٌ قَدِيمٌ فِي مُحَافَظَةِ إِسْفَهَانَ.

● مسجده امام ، اثری دیرینه در استان اصفهان است . سربازان نیرومند ما ، سربازان مومنی هستند .

۷۷

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ

● کلمات مترادف و متضاد را معلوم کنید. = ، ≠

عَاقِلٌ × نَجْنُونٌ

لَيْلٌ × هَارٌ

وَضَعَ جَعَلَ صَدَاقَةٌ = عَدَاوَةٌ

جُلُوسٌ × قِيَامٌ

صَعْبٌ × سَهْلٌ

أَعْدَاءٌ × رَاسِبٌ رَاسِبٌ نَاجِحٌ

جَاءَ = أَتَى

قَبِيحٌ جَمِيلٌ

نَامٌ = رَقَدَ طَوِيلٌ قَصِيرٌ

● در جای خالی کلمه مناسبی از کلمات زیر بنویسید. «دو کلمه اضافه است.»

أَنْقَذَ / رَيْسِي / اِحْتَرَقَ / طَبَعَ / نَفَقَاتُ / الصَّحِيفَةُ / بَضَائِعَ

۱. کانت الجامعة غالية و ما كنت قادراً على دفعها وحدي.

هزینه های دانشگاه گران بود و توانایی پرداخت آن را به تنهایی نداشتم .

۲. انكسرت احدي الزجاجات في المختبر ف..... كل الأشياء.
یکی از شیشه ها در آزمایشگاه شکست پس همه چیز آتش گرفت .

۳. يجلب التاجر جديدة إلى دكانه للبيع.

بازرگان کالاهاى تازه ای برای فروش به مغازه اش می آورد .

۴. يبدأ والدي يومه بقراءة دائماً.
پدرم روزش را با خواندن روزنامه آغاز می کند .

۵. اديسون طفلاً من تحت القطار.

ادیسون کودکی را از زیر قطار نجات داد .

التمرین الخامس

● فعل‌های زیر را مانند مثال ترجمه کنید.

ماضی منفی	مضارع منفی	مستقبل (آینده)	امر	نهی
ما ذَهَبَ: نرفت	لا يَذْهَبُ نَمِي رود	سَيَذْهَبُ: خواهد رفت	اِذْهَبْ: برو	لا تَذْهَبْ: نرو
ما شَرَبُوا: ننوشتند	لا يَشْرَبُونَ: نمنمی نوشند	سَيَشْرَبُونَ: خواهند نوشید	اِشْرَبُوا: بنوشید	لا تَشْرَبُوا: بنوشید
ما عَسَلْ: نشست	لا يَعْسَلُ نَمِي شوید	سَوْفَ يَعْسَلُ خواهند نشست	اغْسِلْ: بشوی	لا تَغْسِلْ: نشوی

التمرین السادس

● با استفاده از کلمات زیر، جدول را حل کنید و رمز آن را به دست بیاورید.

معجون / أبحاث / طفولة / صناعة / نفقات / أنهار / دفع / مسجلات /

مطابع / مزدجم / آلات / تماثيل / شهور / كُرسِي / أنفُسُهُم / ابتدأ

۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۹ ۷ ۱۶ ۶

رمز ↓

گَنْزُ الْحِكْمَةِ

● بخوانید و ترجمه کنید!

۱. « عَلِيكَ بِذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّهُ نُورُ الْقَلْبِ. »

بر تو باد (بر زبان آوردن) نام خدا ، چراکه آن روشنی بخش دل هاست .

۲. « جَلِيسُ السَّوِّ شَيْطَانٌ. »

همنشین بد ، (در کشاندن به گناه مانند) شیطان است .

۳. « الدُّنْيَا مَزْرَعَةُ الآخِرَةِ. »

دنیا کشتزار آخرت (قیامت) است .

۴. « الْعِلْمُ كَنْزٌ عَظِيمٌ. »

دانش ، گنج بزرگی است .

۵. « النَّوْمُ أَخُو الْمَوْتِ. »

خواب ، (در برخی از ویژگی ها مانند و) برادر مرگ است .

